

بازگشت ایران و آمریکا به نقطه صفر؟

افزایش حملات نیروهای مقاومت و تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای ایران، تهران را در کنار چین و روسیه، به چالشی جدید برای غرب تبدیل کرده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، بایدن و دستیاران ارشد امنیت ملی او در تابستان سال گذشته بر این باور بودند که احتمال درگیری با ایران و نیروهای محور مقاومت مهار شده است.

بازگشت به نقطه اول

پس از گفت‌وگوهای محرمانه، ایران و آمریکا به توافقی رسیدند که در ازای آزادسازی ۶ میلیارد دلار از سرمایه‌های مسدودشده ایران و مبادله چند زندانی، حملات به نیروهای آمریکایی در منطقه متوقف و ایران سرعت غنی‌سازی اورانیوم با خلوص بالا را کاهش داد.

اما حمله ۷ اکتبر حماس و واکنش ویرانگر اسرائیل همه اینها را تغییر داد. اکنون مقامات آمریکایی و اسرائیلی و ده‌ها کشور دیگر که نگران حفظ جریان تجارت دریای سرخ هستند، با وضعیت تهاجمی‌تری مواجه شده‌اند. پس از انجام حملات متعدد از لبنان گرفته تا دریای سرخ و عراق، نیروهای مقاومت دو بار در هفته گذشته با نیروهای آمریکایی درگیر شده و واشنگتن آشکارا تهدید کرده که در صورت عدم کاهش خشونت، حملات هوایی علیه مواضع آن‌ها انجام خواهد داد.

در همین حال، اگرچه دولت بایدن در مورد آن صحبت چندانی نکرده، اما به ادعای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برنامه هسته‌ای ایران به طور ناگهانی سرعت گرفت. در اواخر دسامبر، بازرسان بین‌المللی مدعی شدند که ایران افزایش در غنی‌سازی اورانیوم خود را سه برابر کرده و به گریز هسته‌ای نزدیک‌تر شده است.

نیکلاس دی رویویر، دیپلمات ارشد فرانسوی که عمیقاً در مذاکره بر سر توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ ایران مشارکت داشت، در هفته گذشته گفت: «ما به نقطه اول بازگشته‌ایم».

روی هم‌رفته، پویایی وضعیت ایران پیچیده‌تر از هر زمان دیگری است. مقامات اطلاعاتی آمریکا و اروپا معتقدند که ایرانی‌ها خواهان درگیری مستقیم با ایالات متحده یا اسرائیل نیستند. اما به نظر می‌رسد که تهران تمایل زیادی برای امتحان آستانه تحمل تنش‌ها دارد.

چیزی که به پیچیدگی این مسئله می‌افزاید، افزایش چشمگیر دامنه همکاری‌های ایران و روسیه است. این مسئله بازتابی از پویایی قدرت شدیداً متغیر است. از زمان حمله روسیه به اوکراین، ایران دیگر خود را منزوی نمی‌داند. این کشور به طور ناگهانی خود را در ائتلافی با مسکو و چین، دو عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌بیند که قبلاً از واشنگتن برای محدودکردن برنامه هسته‌ای ایران حمایت می‌کردند. توافق هسته‌ای پنج سال پیش توسط دونالد ترامپ پاره شد و حالا ایران دو ابرقدرت را نه تنها به عنوان متحد خود، بلکه به عنوان مشتریانی که در شکست تحریم‌ها کمک می‌کنند، در اختیار دارد.

صنم وکیل، مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در چتم هاوس گفت: «من ایران را در موقعیت خوبی می‌بینم که ایالات متحده و منافع آن در خاورمیانه را کیش‌ومات کرده است. ایران در تمام مرزها فعال بوده، در برابر هر نوع تغییری از داخل مقاومت کرده و در عین حال، سطح غنی‌سازی بالایی دارد».

معامله‌ای بی‌سروصدا با سرانجامی بد

با هدف احیای توافق برجام، بایدن در سال ۲۰۲۱ وارد کاخ سفید شد. پس از بیش از یک سال مذاکره، بالاخره طرف‌ها در سال ۲۰۲۲ به توافقی نزدیک شدند که ایران را ملزم می‌ساخت تا سوخت هسته‌ای تازه تولید شده خود را مانند سال ۲۰۱۵ به خارج از کشور ارسال کند. اما تلاش‌ها به شکست انجامید.

یک سال بعد، ایران برنامه هسته‌ای خود را تسریع بخشید و برای اولین بار اورانیوم را با خلوص ۶۰ درصد غنی‌سازی کرد. این اقدامی حساب‌شده بود که به ایالات متحده نشان می‌داد که تهران تنها چند قدم با گریز هسته‌ای فاصله دارد؛ اما برای جلوگیری از حمله به تأسیسات هسته‌ایش از خط‌قرمز عبور نمی‌کند.

اما در تابستان ۲۰۲۳، برت مک‌گورک، دستیار بایدن برای هماهنگی امور خاورمیانه بی‌سروصدا دو توافق جداگانه را با ایران منعقد کرد. یکی از آن‌ها پنج زندانی دوتابعیتی را در ازای چند ایرانی زندانی و انتقال ۶ میلیارد دلار دارایی ایران از کره جنوبی به حسابی در قطر را آزاد کرد. این پول‌ها تنها برای مصارف بشردوستانه قابل استفاده بود.

اما توافق دوم که بایدن نمی‌خواست فاش شود، توافقی نانوشته بود که بر اساس آن، ایران غنی‌سازی خود را محدود می‌کرد و نیروهای مقاومت را به خویش‌ننداری فرا می‌خواهند. به ایرانی‌ها گفته شد که تنها در این صورت است که می‌توان در مورد توافقی بزرگ‌تر گفتگو کرد.

برای چند ماه به نظر می‌رسید که این توافق پایدار است. نیروهای مقاومت در عراق یا سوریه به نیروهای آمریکایی حمله نکردند، کشتی‌ها آزادانه در دریای سرخ حرکت داشته و بازرسان گزارش دادند که غنی‌سازی ایران به شدت کند شده است.

برخی از تحلیل‌گران می‌گویند که این یک سکوت موقتی و فریبنده بود. سوزان مالونی، مدیر برنامه سیاست خارجی مؤسسه بروکینگز و کارشناس مسائل ایران هدف آن را تنها حفظ آرامش خاورمیانه تا پایان انتخابات آمریکا دانست.

فشار همه‌جانبه

مقامات اطلاعاتی آمریکا می‌گویند که ایران حمله ۷ اکتبر حماس را تحریک یا تأیید نکرده بود و احتمالاً حتی در مورد آن نیز چیزی به تهران گفته نشده بود. با این همه، به محض شروع جنگ اسرائیل علیه حماس، نیروهای مقاومت وارد عمل شدند. هر چند، نشانه‌های بارزی وجود داشت که ایران می‌خواست درگیری را محدود کند.

در اوایل، کابینه جنگ اسرائیل درباره حمله پیشگیرانه به حزب‌الله لبنان بحث کرده و در گفت‌وگو با آمریکایی‌ها ادعا کرد که حمله حزب‌الله به اسرائیل قریب‌الوقوع بوده و بخشی از برنامه ایران برای فشار همه‌جانبه به اسرائیل است. اما، دستیاران بایدن با این استدلال که ارزیابی اسرائیلی‌ها اشتباه است، با حمله به لبنان مخالفت کردند. آن‌ها بر این باورند که از جنگی گسترده‌تر جلوگیری کرده یا حداقل به تأخیر انداختند.

با این حال، در روزهای اخیر تهدید جنگ با حزب‌الله دوباره ظاهر شده است. برخی در کابینه اسرائیل، مانند یوآو گالانت، وزیر دفاع ادعا کرده‌اند که نباید اشتباهی که در مورد حماس کردند را در مورد حزب‌الله مرتکب شوند؛ زیرا این گروه حدود ۱۵۰ هزار موشک دارد که به سمت اسرائیل هدف گرفته و برخی از نیروهایش آماده انجام عملیات فرامرزی علیه اسرائیل هستند.

اما در واشنگتن، اکنون نگرانی در مورد حمله حزب‌الله به اسرائیل کمتر از حمله اسرائیل به حزب‌الله است. ایالات متحده به اسرائیل گفته که اگر حزب‌الله از مرز عبور کند، واشنگتن از اسرائیل حمایت خواهد کرد؛ اما در غیر این صورت، نه.

به نظر می‌رسد که تاکنون حزب‌الله مراقب بوده که به اسرائیلی‌ها بهانه‌ای برای عملیات نظامی ندهد. با این حال، اما حزب‌الله که قدرتمندترین نیرو در لبنان به شمار می‌رود به عنوان بازدارنده‌ای در برابر هرگونه حمله بزرگ اسرائیل به ایران عمل می‌کند. خانم ملونی، عضو مؤسسه بروکینگز گفت: «در این مرحله، ایران علاقه چندانی به افزایش تنش‌ها ندارند؛ زیرا بدون تنش‌ها، آن‌ها به بیشتر منافع خود دست می‌یابند».

اما مقامات آمریکایی می‌گویند که ایران کنترل عملیاتی چندانی بر بسیاری از نیروهای مقاومت نداشته و شدت حملات به دور از مرز لبنان و اسرائیل می‌تواند جرقه‌ای برای درگیری بزرگ‌تر باشد.

نیروهای مقاومت در عراق و سوریه بیش از ۱۲۰ حمله این‌چنینی علیه آمریکا انجام داده‌اند که تلفات به همراه داشته و به واکنش نظامی آمریکا منجر شده است.

بحران دریای سرخ

بخشی از درگیری‌ها که فوری‌ترین پیامدهای جهانی را به همراه دارد، در دریای سرخ در جریان است؛ جایی که نیروهای حوثی یمن کشتی‌های اسرائیلی یا آن‌هایی که به سمت بنادر سرزمین‌های اشغالی در حرکتند را هدف قرار می‌دهند. در واقع، به نظر می‌رسد که آن‌ها تمام کشتی‌ها را با موشک‌های گرمایاب که نمی‌توانند بین اهداف و قایق‌های تندروی مورد استفاده برای سوارشدن و توقیف نفت‌کش‌ها تمایز قائل شوند، هدف قرار می‌دهند.

هنگامی که نیروی دریایی ایالات متحده برای نجات یک کشتی باری مرسک که در آخر هفته گذشته مورد حمله قرار گرفته بود، وارد عمل شد، حوثی‌ها به سمت هلیکوپترهای نیروی دریایی آتش گشودند. حوثی‌ها گزارش دادند که خلبانان نیروی دریایی به آتش پاسخ داده و سه قایق از چهار قایق حوثی‌ها را غرق کرده و ۱۰ نفر را کشتند.

مرسک، یکی از بزرگ‌ترین کشتی‌های حمل‌ونقل دنیا تمام ترانزیت‌ها از طریق دریای سرخ را تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآورده است. سایر شرکت‌های بزرگ جهانی نیز درباره تأخیر در زنجیره تأمین هشدار داده‌اند.

واشنگتن ائتلافی از کشورها را برای دفاع از کشتی‌ها گرد هم آورد، اما به شدت به حضور نیروی دریایی آمریکا وابسته است. تاکنون بایدن تمایلی به حمله به حوثی‌های یمن نداشته، اما به گفته مقامات، به نظر می‌رسد نظرش در حال تغییر است.

هفته گذشته، ایالات متحده و ۱۳ متحد آن در ائتلاف «عملیات نگهبان سعادت» با امضای بیانیه‌ای که یک مقام آمریکایی آن را «اخطار نهایی» خواند، به حوثی‌ها برای توقف حملات و آزادی کشتی‌ها و خدمه بازداشت‌شده هشدار دادند. در این نامه، اشاره‌ای به ایران نشده بود.

مقامات پنتاگون در حال اصلاح طرح‌هایی برای چگونگی حمله به سایت‌های پرتاب موشک و پهپاد حوثی‌ها در یمن هستند و مقامات پیشنهاد داده‌اند که به محض وقوع حمله‌ای دیگر، حمله‌ای علیه مواضع حوثی‌ها در یمن به عنوان هشدار تند برای احیای بازدارندگی انجام شود.

ماتریس بازدارندگی و گزینه‌های سخت

بایدن با انتخاب‌های سختی روبروست. او از خاورمیانه عقب‌نشینی کرد تا بر رقابت با چین و بازدارندگی در برابر آن تمرکز کند. حالا دوباره پای او به منطقه باز شد.

هیو لوات، کارشناس خاورمیانه در شورای روابط خارجی اروپا گفت: «ایالات متحده یک ماتریس بازدارندگی ایجاد کرده که نشان می‌دهد به جنگی منطقه‌ای علاقه‌ای ندارد؛ اما آماده است در پاسخ به اقدامات ایران و محور مقاومت مداخله کند». او افزود که «حضور ناوها و نیروهای آمریکایی واشنگتن را بیشتر در تیررس قرار می‌دهد. بنابراین این ماتریس بازدارندگی می‌تواند محرکی برای تشدید تنش باشد».

بمب ساعتی خاورمیانه

آینده برنامه هسته‌ای ایران و پتانسیل طولانی‌مدت آن برای رویارویی مستقیم با غرب، بر تمام این درگیری‌ها احتمالی سایه انداخته است.

سال‌ها مذاکرات دیپلماتیک، خرابکاری‌های مخفیانه برای از کار انداختن ساتنریفیوژهای هسته‌ای ایران و ترور دانشمندان ایرانی توسط اسرائیل بر یک هدف متمرکز بوده است: طولانی‌کردن زمان لازم برای گریز هسته‌ای. هنگامی که توافق سال ۲۰۱۵ به دست آمد، دولت اوباما بزرگ‌ترین دستاورد خود را جشن گرفت.

دولت بایدن چیزی نگفته و مقامات نیز وقتی به طور ناشناس مصاحبه می‌کنند، قبول دارند که گزینه‌های آمریکا بسیار محدود است. از آنجایی که ایران با روسیه روابط خوبی داشته و به چین نفت می‌فروشد، هیچ شانس برای اقدام در شورای امنیت وجود ندارد.

دستیاران بایدن نیز بی‌خیال احیای توافق ۲۰۱۵ شده‌اند، زیرا دیگر تاریخ‌مصرف آن گذشته است. همانطور که در ابتدا مذاکره شده بود، این توافق ۲۰۱۵ به ایران اجازه می‌داد که از سال ۲۰۳۰، به هر مقدار که می‌خواهد، سوخت هسته‌ای تولید کند.

خانم ملونی گفت: «ایران در حال غنی‌سازی است زیرا توانایی چنین کاری را دارد. هدف آن‌ها همیشه این بوده که در مقابل فشارها منتظر مانده و توان نظامی خود را تقویت کنند».